

تأکید بزرگان دین بر فضیلت تفکر

پای صحبت جلیل ندایی پور، مترجم جعبه ابزار تفکر



«دانشگاه شریف» در دوره کارشناسی ارشد، او را به علوم انسانی بیشتر علاقه‌مند کرد.

آقای ندایی پور حدود ۱۷ سال در

انواع مدرسه‌های دولتی، غیردولتی و

سمپاد در پایه‌ها و شهرهای متفاوت تدریس

کرد و از نزدیک با مشکلات این حوزه آشنا شد.

او مجموعه «جعبه ابزار تفکر» را ترجمه کرده و از آن رو که

این مجموعه از سوی معاونت سامان‌دهی منابع آموزشی مورد

تأیید قرار گرفته است، با ایشان گپ‌وگفتی داشتیم.

جلیل ندایی پور متولد سال

۱۳۵۶ است. او در دوران تحصیل

کمتر از کار و بازی درس خواند.

اما به ریاضیات علاقه‌مند شد، به

مطالعه شخصی در این زمینه پرداخت

و در سال ۱۳۷۳ مدال برنز کشوری المپیاد

ریاضی را کسب کرد. در «دانشگاه علم و صنعت»،

علاوه بر مهندسی عمران، چند نیم‌سال هم ریاضی خواند. هر

چند که از دوره دانش‌آموزی به ادبیات و فلسفه علاقه داشت،

اما تحصیل در رشته MBA دانشکده مدیریت و اقتصاد

موقعیت بودن.

به‌جرت می‌توان گفت که مجموعه حاضر بدون اشاره مستقیم

به عناوینی چون تفکر خلاق، تفکر انتقادی و امثال آن، همه این‌ها

را شامل می‌شود. دلیل علاقه‌ام به این سبک از آموزش مهارت

تفکر، پایه‌ای بودن و سادگی روش آن و در عین حال چهار دهه

تجربه در یک نظام آموزشی موفق است.

■ مخاطب این کتاب، یا بهتر است بپرسم بهترین و

مناسب‌ترین مخاطب این کتاب، از نظر شما کدام گروه

سنی است؟ این سؤال را به این دلیل می‌پرسم که به نظر

می‌رسد سطح برخی پرسش‌ها و فعالیت‌ها بالاتر از سطح

دانش‌آموزان است.

بهترین مخاطبان کتاب در سطح اول دانش‌آموزان چهارم تا

ششم ابتدایی و در سطح دوم دانش‌آموزان متوسطه اول هستند.

در هر سال با یک جلسه ۶۰ دقیقه‌ای در هفته می‌توان دو جلد از

شش جلد این مجموعه را آموزش داد. برای مخاطب متوسطه دوم

آموزش می‌تواند فشرده‌تر و با مثال‌های جدی‌تر پیش برود. برخی

سؤال‌ها عمداً سنگین‌تر طرح شده‌اند؛ به دو دلیل: یکی حضور

دانش‌آموزان قوی‌تر در کلاس، و دیگر اینکه در دنیای واقعی نیز

مسائل همین‌طور هستند!

از آنجا که این مجموعه کتاب، مجوز آموزش ضمن خدمت

کارکنان دولت را نیز دارد، آموزش آن به معلمان و دانشجویان

به‌صورت کارگاه‌های یک‌روزه می‌تواند بسیار اثربخش باشد.

■ چرا تفکر و دستیابی به مهارت تفکر مهم است؟

در مقدمه کتاب‌ها از منظر فلسفه و نیز علوم اعصاب توضیح

داده‌ام که هر چند در هر یک از حواس و توانمندی‌ها، برخی

حیوانات از انسان برتر هستند، با این حال ساختار عصبی انسان

در نوع خود کامل‌ترین است و ساختار حافظه، توانایی حل مسئله

و یادگیری باعث شده است که انسان‌ها در طول تاریخ به سایر

گونه‌ها مسلط شوند و به پیشرفت‌های کنونی نائل آیند.

تأکید بر فضیلت تفکر در سخن بزرگان دین و اندیشمندان در

طول تاریخ باعث شده است که این رکن از توانمندی بشر، یکی

از پایه‌های نظام آموزشی کشورها باشد؛ تا جایی که هر چند با

تأخیر، اما عنوان تفکر به کتاب‌های درسی ما نیز اضافه شد.

■ مجموعه «جعبه ابزار تفکر» چه مزیت‌هایی نسبت

به کتاب‌های مشابه خود دارد که شما را به ترجمه آن

علاقه‌مند کرد؟

بیشترین توجه به آموزش مهارت تفکر به‌عنوان یک درس

جداگانه، چه به لحاظ محتوا و چه از نظر قدمت، متعلق به

«سنگاپور» است. کشوری که بنا بر آمار، از نظر کیفیت آموزش

قبل از دانشگاه، سال‌هاست که بین پنج رتبه برتر جهان قرار

دارد. محتوای این کتاب بر مبنای روش آقای دکتر دیونو و توسط

خود ایشان تدوین شده است. برترین ویژگی این دوره در چند

نکته خلاصه می‌شود: سادگی و صراحت هدف آموزشی؛ دوری

از کلی‌گویی و اغراق و تئوری‌پردازی؛ آموزش آسان؛ و بر مبنای

■ در مقدمه گفته‌اید، عنوان‌های درس‌ها را از مجموعه «Cort» به امانت گرفته‌اید و جز چند مثال خوب، مثال‌ها و چالش‌ها را با فرهنگ و مسائل بومی جایگزین کرده‌اید. این «جز» یعنی چه حجم از کتاب؟

بهتر است کمی در مورد ساختار درس‌ها بگوییم. کتاب اول با عنوان «هوای تازه» با این هدف نگاشته شده است که مخاطب بتواند مدیریت اندیشه هنگام تفکر را دریابد. می‌خواهیم ناگهان همه افکار به ذهن هجوم نیاورند. در هر یک از ۱۰ درس کتاب به یک جنبه از تفکر می‌پردازیم. کتاب دوم، با عنوان «سازمان‌دهی ذهن»، برای موقعیتی است که می‌خواهیم به‌تنهایی درباره موضوعی فکر کنیم. این کتاب هم ۱۰ درس دارد. در کتاب سوم موقعیت تفکر دوفره است: «بحث و مناظره»

کتاب چهارم که عنوان «تفکر جانبی» را دارد، مشخصاً به روش آقای دبوو در خلاقیت می‌پردازد. کتاب پنجم اطلاعات، احساسات و جریان‌هایی غیر از منطق، مانند باورها و ارزش‌ها را در جریان تفکر بررسی می‌کند. در کتاب ششم، با عنوان «میدان عمل»، دنبال آن هستیم که از جریان تفکر یک برنامه عملیاتی استخراج کنیم.

هر کتاب ۱۰ درس دارد و هر درس در یک جلسه قابل آموزش است. در هر درس معمولاً سه یا چهار مثال آموزشی فردی و سه یا چهار مثال آموزشی گروهی داریم. حدود ۳۰ درصد از مثال‌های خوب آموزشی را از محتوای آموزشی «CoRT» گرفته‌ام. بیشتر این مثال‌ها در عین سادگی و تحقق هدف درس، برای مخاطب عام مطلوب هستند. یعنی تقریباً در هر جای دنیا دانش‌آموزان کودک و نوجوان با آن‌ها درگیرند. مسائل مدرسه، اخلاق، قوانین رانندگی و امثال آن. بخش تمرین‌ها در محتوای CoRT وجود ندارد و من آن را اضافه کرده‌ام. بخش تمرین اجباری نیست، اما تعداد و تنوع آن‌ها به‌گونه‌ای است که انتخاب چند مورد توسط دانش‌آموز هدف آموزشی را برآورده می‌کند. عنوان‌های درس‌ها اقتباس شده‌اند، اما نمادهای گرافیکی آن‌ها را طراحی کرده‌ام.

جعبه ابزار تفکر را طی سال ۹۸-۱۳۹۷ در چهار مدرسه تهران آموزش دادم. یک بازخورد جالب مربوط به تکلیف هفتگی بود: دانش‌آموزان باید آنچه را یاد گرفته بودند، به یکی از اعضای خانواده یا دوستان خود یاد می‌دادند و جلسه بعد تجربه‌شان را در کلاس بازگو می‌کردند. این بخش کلاس نشان می‌داد که چقدر در انتقال درس موفق بوده‌ام.

■ این سؤال را پرسیدیم تا مقدمه‌ای باشد برای پرسش بعدی‌ام. به نظر می‌رسد در اغلب آثاری که در این زمینه ترجمه می‌شوند، از امر بومی‌سازی غفلت می‌شود. از نظر شما چرا باید بومی‌سازی اتفاق بیفتد؟ چون برخی بر این باورند که موضوع تفکر جهانی است و نیازی به بومی‌سازی ندارد. بنابراین حتی از ساده‌ترین تغییرهای آگاهانه و اختیاری در متن می‌پرهیزند.

سؤال آسان و جواب سخت است! به این لحاظ که در چند سطر نمی‌گنجد. به دو دلیل آموزش تفکر آن هم در سطح این کتاب باید بومی‌سازی شود: یکی کهن‌الگوها یا همان الگوهای ذهنی که باید آگاهانه از آن‌ها استفاده کرد تا بتوان آن‌ها را به چالش کشید. دیگر

اینکه ما می‌خواهیم مخاطب با آنچه که می‌آموزد، در دنیای ذهن، خانواده و جامعه احساس غریبگی نکند. این به معنای آن نیست که از رفتار مردم در سایر فرهنگ‌ها غافل باشیم. دروغ در همه فرهنگ‌ها نكوهیده است. در همه جای دنیا اعتیاد زندگی انسان‌ها را نابود می‌کند. من یکی از مفاهیم و ارکان تفکر سیستمی را بدون اشاره به نام آن در بسیاری از مثال‌ها و تمرین‌ها مطرح می‌کنم: «تفکر درون‌زا». به این معنا که: در مورد یک مشکل یا راه‌حل علمی آن، هر یک از ما چقدر نقش داریم؟ تنها این پرسش است که می‌تواند یک مسئله جهانی را به یک مسئله بومی تبدیل کند.

■ با توجه به تجربه‌ای که دارید، اگر بخواهید در زمینه بومی‌سازی پیشنهادی عملی به ناشران و مترجمان جوان بدهید، چه می‌فرمایید؟

اگر بخواهم شعار بدهم، باید به جمله‌های معروفی که در دانشگاه یاد گرفته‌ام، اشاره کنم: جهانی بیندیش و بومی عمل کن! اما به نظر تنها نکته‌ای که در بومی‌سازی یک محتوا اهمیت دارد، این است که مخاطب در نگاه اول متوجه آن نشود و اگر تا انتهای کار هم متوجه این کار عامدانه نویسنده نشود، شما برنده‌اید. زبان و محتوای نشخوارهای ذهنی مخاطب را پیدا کنید. در متن مخاطب را به پاسخ مورد نظر خودتان برسانید. شوخی‌های بی‌مایه زیادی را در کتاب‌های کمک‌آموزشی دیده‌ام که در شهرستان‌ها مخاطب با آن‌ها غریبه است!

در درس قوانین، قبل از شروع درس، از بچه‌ها خواستم قهرمان و الگوی زندگی خود را در نظر بگیرند. (کلمه «Hero» به این معنی بین نوجوانان جا افتاده است). در خلال درس از آن‌ها پرسیدم: اگر به چراغ قرمز برسید و در چهارراه تنها باشید، مأمور و دوربین هم نباشد، آیا از چراغ عبور می‌کنید؟ به نظر شما اگر ابن سینا امروز در میان ما می‌زیست، در آن موقعیت از چراغ عبور می‌کرد؟

■ در ابتدای مجموعه، از برگزاری جلسه‌های آموزشی برای مخاطبان گفته‌اید. آیا بدون برگزاری این جلسه‌ها و حضور یک تسهیلگر، باز هم کتاب قابل استفاده است؟ همچنین، آیا بر اساس این کتاب، شما یا دیگران، جلسه‌های آموزشی برگزار کرده‌اید؟ اگر بله، چه نتیجه و بازخوردی داشته است؟ برگزاری جلسه‌های ضمن خدمت برای دبیران و آموزش فشرده برای مربیان تفکر در دستور کار است. با توجه به تدریس موفق این مجموعه در چهار مدرسه به صورت آزمایشی، فیلم‌های آموزش درس‌ها تا قبل از ترویج کتاب در مدرسه‌ها، در وبسایت مجموعه بارگذاری خواهد شد. هر درس یک فیلم آموزشی ۷ تا ۱۰ دقیقه‌ای خواهد داشت.

■ و سؤال آخر اینکه: آیا برنامه جدیدی در این زمینه دارید؟ همه هزینه‌های مجموعه برای چاپ ۲۰۰۰ جلد را شخصاً پرداخت کرده‌ام، چون به کاری که می‌کنم ایمان دارم. امیدوارم بتوانم مجموعه را به چاپ‌های بعدی برسانم. شاید روزی بتوانیم در سطح کشور، باشگاه‌های تفکر ایجاد کنیم! یا در کنار المپیادهای دیگر المپیاد تفکر داشته باشیم!

تأکید بر فضیلت

تفکر در سخن

بزرگان دین و

اندیشمندان در

طول تاریخ باعث

شده است که این

رکن از توانمندی

بشر، یکی از

پایه‌های نظام

آموزشی کشورها

باشد